

دلایل موفقیت شبکه الجزیره در دیپلماسی عمومی در جهان عرب

خلیل الله سردارنیا*

چکیده

دیپلماسی عمومی، اصطلاحی است که در چند دهه اخیر، به تأثیر از گسترش اینترنت و شبکه‌های خبری ماهواره‌ای مورد توجه محافل علمی-دانشگاهی و سیاسی قرار گرفته است. این نوع سیاست خارجی، در رابطه با نفوذ، هدایت و بسیج افکار عمومی در راستای اهداف کنشگران حکومتی و غیر حکومتی به کار می‌رود. هدف این مقاله، ارائه پاسخ تحلیلی به این سؤال است که چرا شبکه ماهواره‌ای الجزیره با وجود فعالیت رسانه‌ای کمتر از دو دهه، نسبت به شبکه‌های ماهواره‌ای غربی در دیپلماسی عمومی و نفوذ افکار عمومی در جهان عرب از موفقیت زیادی برخوردار بوده است؟ مهم‌ترین دلایل موفقیت این شبکه، عبارت‌اند از: استقلال و تابوشکنی سیاسی در پوشش خبری-تصویری، محتوای انتقادی و تحلیلی، نقد سلطه و مداخله ایالات متحده آمریکا در منطقه، گفتمان رسانه‌ای پان عرب و پان اسلامی، دفاع از حقوق مردم فلسطین، شیوه‌ها و ساختار نوین و جذاب در پوشش خبری-تصویری و میزگردهای تحلیلی با تمرکز بر مسائل مهم منطقه. روش پژوهش حاضر، از نوع تحلیل ثانویه داده‌ها و نیز روش تبیین علی تحلیلی-استدلالی است. مهم‌ترین یافته این پژوهش، آن است که شبکه ماهواره‌ای الجزیره به دلایل یادشده، از موفقیت قابل توجهی، در دیپلماسی عمومی منطقه‌ای و نفوذ و بسیج افکار عمومی در خاورمیانه و شمال آفریقا، برخوردار بوده است.

واژگان کلیدی: شبکه الجزیره، دیپلماسی عمومی، افکار عمومی، جهان عرب.

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شیراز، نویسنده مسؤول: kh_sardarnia@yahoo.com

مقدمه

از ربع واپسین سده ۲۰ به این سو، به تأثیر از انقلاب ارتباطات و اطلاعات و گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای، استفاده از اصطلاح «دیپلماسی عمومی» در محافل علمی - دانشگاهی و سیاسی رواج یافته است. امروزه اهمیت افکار عمومی همانند بزرگترین کارگزار و عامل تعیین کننده در حوزه سیاست برای حفظ ثبات و قدرت سیاسی موجود یا در جهت عکس، برای اصلاحات و نابود کردن حکومت‌های ناکارآمد و دیکتاتوری موجود، بر بسیاری از افراد آگاه، پوشیده نیست.

در خاورمیانه و جهان عرب به لحاظ تاریخی، نخستین شبکه یا مرکز خبرگزاری خاورمیانه‌ای و خصوصی، توسط یک تاجر سعودی به نام «شیخ والد ابراهیم» در لندن در ژانویه سال ۱۹۹۲ تأسیس شد. حکومت مصر در زمان «مبارک»، نخستین حکومتی بود که در ماهواره «نایل ست» یک کانال ماهواره‌ای ایجاد کرد؛ این اقدام، توسط برخی دولت‌های دیگر، در منطقه دنبال شد که شبکه الجزیره در قطر مشهورترین آنهاست. تا پایان سال ۱۹۹۷، بیش از ۶۰ کانال ماهواره‌ای عرب‌زبان شروع به کار کردند که تا سال ۲۰۰۵ به ۱۵۰ کانال افزایش یافت که امروزه به بیش از ۵۴۰ کانال رسیده است (Lo, 2012, pp.3-2). در خاورمیانه عربی تا پیش از میانه دهه ۱۹۹۰، گفتمان رسانه‌ای به‌طور عمده از نوع اقتدارگرایانه، تأییدی و محافظه‌کارانه بود و رسانه‌ها عمدتاً توسط دولت‌ها کنترل می‌شدند؛ اما در دو دهه اخیر، به تأثیر از دلایل یا متغیرهای تکان‌دهنده‌ای همچون: انقلاب ارتباطات و اطلاعات، گسترش جهانی شدن، موج مردم‌سالاری خواهی، تحول فکری و نگرشی فزاینده به تأثیر از فضای آموزشی و شهرنشینی دگرگون‌شده، شکاف نسلی و تحولات اخیر منطقه‌ای در جهان عرب، تعدادی از حکومت‌های عرب ناگزیر شده‌اند که از شدت فضای بسته رسانه‌ای بکاهند. شبکه ماهواره‌ای الجزیره در کمتر از دو دهه اخیر، نقش مهمی در اطلاع‌رسانی، تحول فکری و نگرشی و شکل‌دهی یا هدایت و بسیج افکار عمومی ایفا کرده است. شواهد و مطالعات انجام شده حاکی از پیشی گرفتن شگرف این شبکه، در رقابت برای جذب افکار عمومی منطقه‌ای، در راهبرد دیپلماسی عمومی نسبت به شبکه‌های قدیمی و قوی ماهواره‌ای فرامنطقه‌ای مانند سی.ان.ان، بی.بی.سی و صدای آمریکا هستند.

در این نوشتار، نگارنده درصدد ارائه پاسخ تحلیلی به این سؤال است که «چرا شبکه ماهواره‌ای الجزیره باوجود فعالیت رسانه‌ای کمتر از دو دهه، نسبت به شبکه‌های ماهواره‌ای غربی در دیپلماسی عمومی در جهان عرب از موفقیت زیادی برخوردار بوده است؟». مهم‌ترین دلایل موفقیت این شبکه عبارت بودند از: آزادی قابل توجه و تابوشکنی سیاسی در پوشش خبری - تصویری، محتوای انتقادی و تحلیلی، نقد سلطه و مداخله ایالات متحده آمریکا در منطقه، گفتمان رسانه‌ای پان عرب و پان اسلامی، دفاع از حقوق مردم

فلسطین، استفاده از شیوه‌ها و ساختار نوین و جذاب در پوشش خبری- تصویری و میزگردهای تحلیلی با تمرکز بر مسائل مهم منطقه. در ارتباط با پیشینه و نوآوری پژوهش، باید خاطر نشان کرد که تعداد قابل توجهی از منابع انگلیسی در قالب پایان‌نامه یا مقالات که هر کدام از زاویه‌ای به این موضوع پرداخته‌اند، وجود دارند که در قسمت اصلی این مقاله به ذکر عنوان و نتایج این منابع پرداخته شده است؛ اما به زبان فارسی، مقاله‌ای با این عنوان وجود ندارد؛ بنابراین به این دلیل و نیز اهمیت دیپلماسی عمومی و شبکه الجزیره، انجام این پژوهش از ضرورت بالایی برخوردار بود. در این نوشتار، روش پژوهش از نوع تبیین علی با رویکرد تحلیلی جامعه‌شناختی- نظری و نیز مصداقی است.

۱. چهارچوب نظری و مفهومی اجمالی

- تعریف مفاهیم

تعاریف نسبتاً مشابهی در ارتباط با اصطلاح «دیپلماسی عمومی» ارائه شده است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود. در دیدگاه فورتتر، دیپلماسی عمومی عبارت از تأثیر بر سیاست و تصمیمات دولت‌های دیگر از طریق نفوذ و تغییر در اذهان و افکار شهروندان آن کشور، با استفاده از ارتباطات عمومی و رسانه‌ای است. گیلوا، دیپلماسی عمومی را به عنوان شکل جدید دیپلماسی، برای برقراری ارتباط مستقیم با مردم کشورهای دیگر، با هدف اعمال نفوذ در اذهان و افکار آنها و در نهایت، اعمال فشار بر تصمیم‌گیران حکومتی برای تغییر در تصمیم‌ها و رفتارهایش تعریف می‌کند (Gilboa, 2008, p.57). کومبز و سیگنیتزر نیز، این مفهوم را در ارتباط با کنشگران غیرحکومتی، با هدف اعمال فشار برای تغییر در تصمیمات حکومت از طریق نفوذ مستقیم در افکار و نگرش‌های عمومی مردم به کار برده‌اند (Gilboa, 2008, p.58). نای، دیپلماسی عمومی را به معنی گسترش قدرت نرم و تأثیر آن بر افکار عمومی در عصر پسا جنگ سرد تعریف می‌کند. در دیدگاه او، هدف مهم در دیپلماسی عمومی و جنگ نرم، نفوذ و تأثیر بر افکار و اذهان عمومی مردم در اردوگاه حکومت رقیب برای تغییر رفتار آن حکومت است (Nye, 2008, p.18). قدرت‌های بزرگ تلاش می‌کنند با منابع قدرت نرم و رسانه‌ای، سه هدف مهم در جنگ نرم و دیپلماسی عمومی را به پیش ببرند: ۱. ارتقای مشروعیت نظام سیاسی خود در نزد افکار عمومی و بین‌المللی ۲. کسب وجهه بین‌المللی ۳. مدیریت افکار عمومی بین‌المللی در راستای منافع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود و تغییر رفتار و تصمیم در اردوگاه رقیب (Yazdani & Sheikhoon, 2012, p.96).

اصطلاح «دیپلماسی عمومی» توسط گولینون* در سال ۱۹۶۵ مطرح شد. در مقطع زمانی جنگ سرد در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در دیپلماسی ایالات متحده آمریکا، باور بر آن بود که گسترش باورهای آمریکایی می‌تواند سلاحی مؤثر در جنگ جهانی بر ضد اردوگاه شرق باشد (Abdelsamei, 2010, pp.23-24). پس از پایان جنگ سرد، با تغییر و تحول مفهومی در ارتباط با قدرت از حالت سخت نظامی به نوع نرم آن، این اصطلاح از شهرت بین‌المللی برخوردار شد (Cull, 2008, p.31). گیلبو، یکی از صاحب‌نظران در عرصه سیاست خارجی، بر این باور است که در مدل جنگ سردی دیپلماسی عمومی، ارتباط گران‌عمدتاً حکومت‌ها و رسانه‌های دولتی بودند، اما در نوع پسا جنگ سردی، کنشگران غیردولتی همچون سازمان‌های مردم‌بنیاد و رسانه‌های غیردولتی حضور جدی‌تری دارند. در عصر پسا جنگ سرد، ارتباطات، اطلاعات و متقاعدسازی از عوامل و مؤلفه‌های مهم در دیپلماسی عمومی و جنگ رسانه‌ای هستند (Gilboa, 2008, pp.56-61).

راس نیز بر این نظر است که در فضای جدید اطلاعاتی اینترنتی و ماهواره‌ای، ماهیت دیپلماسی تغییر یافته و ابعاد جدیدتری در شکل عمومی و فرهنگی یافته است (Gunaratne, 2005, pp.259). با عنایت به اهمیت محوری رسانه‌ها در عصر انقلاب ارتباطات، سه مسئله محوری عبارت‌اند از: ۱. توجه به رسانه‌ها به‌عنوان موضوع محوری در مدیریت دیپلماسی عمومی ۲. گفتگو و چگونگی تنظیم پیام به‌عنوان بهترین راهبرد برای مدیریت دیپلماسی عمومی ۳. چگونگی استفاده از رسانه‌های جمعی به‌طور راهبردی در ارتباط با افکار عمومی (Zhang, 2013, p.1313). «افکار عمومی» به‌عنوان دومین مفهوم محوری در ارتباط تنگاتنگ با دیپلماسی عمومی است. اصطلاح افکار عمومی، نخست در ارتباط با افکار نخبگان فرهیخته و بورژوا به‌کاربرده می‌شد. با ایجاد و گسترش پارلمان‌ها، این مفهوم در ارتباط با نمایندگان مردم در پارلمان به‌عنوان بازگوکنندگان مشروع و قانونی دیدگاه مردم به‌کاربرده شد اما امروزه در ارتباط با افکار ریشه‌دار و جاافتاده در نزد عموم مردم در ارتباط با موضوعی مشخص به کار می‌رود (Yves Dormagen & Mouchard, 2010, pp.190-189).

دیسی، افکار عمومی را چنین تعریف می‌کند: «در هر زمان، مجموعه‌ای از اعتقادات، باورها، احساسات، اصول پذیرفته‌شده و ریشه‌دار وجود دارد که در مجموع، افکار عمومی یک دوره خاص را شکل می‌دهند، به‌نحوی که می‌توان آنها را به‌منزله یک جریان فکری مسلط یا حاکم توصیف کرد»

* - E.Gullion

(Asadi, 1991, p.45). مهم ترین ویژگی های این مفهوم عبارت اند از: ۱. افکار عمومی به موضوعی مربوط می شود که مدنظر همه یا بیشتر افراد و گروه هاست و از اهمیت بالا در نزد آنها برخوردار است ۲. افکار عمومی به مشارکت در ارتباط با آن موضوع می انجامد ۳. این رفتارهای مشترک، آن اندازه اهمیت دارند که برای رسیدن احتمالی به مقصود، می توانند استمرار یابند ۴. افکار عمومی برساخته اجتماعی (حاصل کنش جمعی و اذهان جمعی) است (Lazar, 2001, pp.80-79).

بحث نظری اجمالی پیرامون نقش رسانه ها در دیپلماسی عمومی

در نظام های سیاسی مردم سالار، رسانه های جمعی، قلمرو اطلاعات و افکار عمومی را شکل می دهند و دیدگاه های انتقادی و مردم سالاری را در سطح گسترده بازتابانده و افکار عمومی را پیرامون آن شکل می دهند. در این نظام های سیاسی، رسانه های جمعی، کوتاه ترین و در دسترس ترین معیارها برای قضاوت هستند، زیرا بدون اطلاعات صحیح نمی توان قضاوت کرد. در این نوع نظام ها، بین عرضه اطلاعات واقعی توسط رسانه ها، رشد فکری و شکل گیری شهروندی پویا، رابطه مستقیم است (Baum, 2003, p.173). امروزه، سیاست، حکومت و جوامع، رسانه ای تر شده است و حیات بشری به شکل شگفت آوری با رسانه ها عجین شده است؛ به گفته کارل دوچ، سیاست یعنی ارتباطات.

پس از جنگ جهانی دوم، در ارتباط با تأثیر رسانه ها بر افکار عمومی، نظریه های کلاسیک مانند نظریه های «برجسته سازی»، «اشاعه اطلاعات»، «تقویت»، «مارپیچ سکوت» و مانند آن مطرح شدند. با توسعه فناوری های نوین ارتباطی و اطلاعاتی مانند اینترنت و ماهواره ها در فضای زمانی پسا جنگ سرد، نظریه های جدیدی ارائه شدند. اصطلاح دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسانه ای نیز در چنین فضای متحول نظری و فناورانه ارائه گردید، فضایی که در آن، پیشبرد سیاست خارجی و استفاده از افکار عمومی برای پیشبرد آن، بیش از پیش به میزان تأثیر گذاری شیوه های خبری و رسانه ای وابسته است. امروزه با اهمیت یافتن روزافزون رسانه ها به ویژه اینترنت و تلویزیون های ماهواره ای، از اصطلاح «قدرت نمادین» به عنوان یکی از مهم ترین اشکال قدرت استفاده می شود که در گذشته از اصطلاح «قوه چهارم دموکراسی» برای رسانه های جمعی استفاده گردید. لذا قدرت در عصر اطلاعات یعنی بهره گیری از اطلاعات، عقاید و دانش و انتقال آن به مخاطبان از طریق رسانه ها برای بسیج افکار عمومی در جهت اهداف و مقاصد قدرت بنیاد کنشگران دولتی و غیردولتی است.

در این قسمت، به تناسب موضوع، از بین نظریه های کلاسیک و جدید، چند نظریه طرح می شود اما برای جلوگیری از طولانی شدن بحث، نظریه ها به اجمال طرح می گردند.

الف) نظریه وابستگی به رسانه‌ها

این نظریه، یکی از نظریات مطرح، در ارتباط با تأثیر رسانه‌ها بر افکار عمومی است که توسط دفلور و روکیچ طرح شده است و امروزه در ارتباط با دیپلماسی عمومی نیز می‌تواند به جد، استفاده شود. بر طبق این نظریه، میزان وابستگی مخاطب به آگاهی و اطلاعات کسب شده از طریق رسانه‌های جمعی، یک متغیر کلیدی در پاسخ به چرایی تغییر اعتقادات، احساسات، شناخت و رفتار وی و در مجموع، بسیج و هدایت افکار عمومی است. هر چه جوامع، پیشرفته و پیچیده‌تر می‌شوند، وابستگی افراد به رسانه‌ها بیشتر می‌شود. رسانه‌ها با ارائه اطلاعات و اخبار، سبب شکل‌گیری تصورات شهروندان از حکومت، فرایندها، پویای سیاسی، هویت خود و حوادث سیاسی و اجتماعی می‌شوند. هر چه میزان اطلاعات رسانه‌ای انتقال یافته به مخاطبان بیشتر باشد، سبب تغییرات بیشتری در میزان شناخت، احساسات و رفتار آنان می‌شود (Defleur & Rokeach, 1982, pp.241-242). آن دو تأثیر رسانه‌ها بر افکار عمومی را در سه زاویه شناختی، نگرشی و رفتاری تقسیم‌بندی کرده‌اند و توضیح می‌دهند.

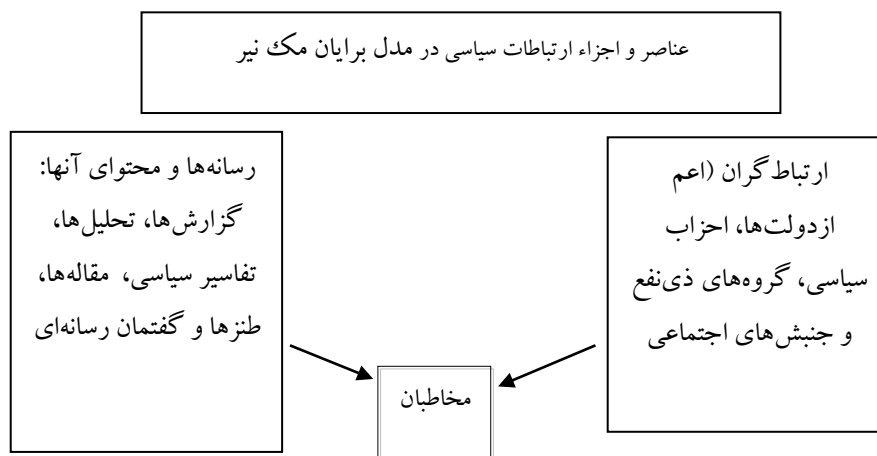
ب) نظریه برجسته‌سازی

نظریه برجسته‌سازی، یکی از مهم‌ترین نظریه‌های مطرح در ارتباط با تأثیر رسانه‌ها بر افکار عمومی است. «برجسته‌سازی» به معنی نشان دادن موضوع‌های برجسته و مهم در ذهن افراد است. فرض اساسی در این نظریه، آن است که رسانه‌های جمعی در تعیین اولویت‌های خبری، موضوع‌های سیاسی - اجتماعی و معرفی آنها به مخاطبان به عنوان موضوع‌های مهم، نقش مهمی ایفا می‌کنند. مطالب و عنوان‌هایی که رسانه‌ها انتخاب کرده‌اند و فضای بیشتری به آن می‌دهند، در ذهن مخاطبان اهمیت بیشتری می‌یابد. به نظر مک کامبز و شاو، نقش دروازه‌بانان خبر (سرديران، کارمندان اتاق خبر، مجریان پخش خبر) در برجسته‌سازی برخی موضوع‌ها در اذهان عمومی و شکل دادن به برداشت و افکار عمومی نسبت به واقعیت‌های مهم سیاسی - اجتماعی در فرایند دیپلماسی عمومی، بسیار مهم است. به اعتقاد برنارد کوهن، رسانه‌ها، از سویی، ارائه دادن اطلاعات و افکار و از سوی دیگر، در نشان دادن موضوع‌های مهم در اذهان افکار عمومی و اینکه اساساً راجع به چه چیزی تأمل و اندیشه کنند، مهم هستند (Baran & Davis, 2000, pp.300-302).

ج) نظریه و مدل ارتباطات سیاسی برایان مک نیر

در مدل ارتباطات سیاسی برایان مک نیر، مهم‌ترین اجزاء یا عناصر در فراگرد ارتباطات سیاسی عبارت‌اند از: ۱. منبع ارتباطی یا ارتباط‌گر سیاسی ۲. پیام‌های سیاسی ۳. کانال‌های ارتباطی ۴. مخاطبان ۵. آثار پیام‌های سیاسی. بازیگران سیاسی دولتی و غیردولتی به منظور تأثیرگذاری بر افکار عمومی و هدایت آن، به شدت به رسانه‌های جمعی وابسته هستند و از طریق رسانه‌های جمعی، دیدگاه‌ها و تحلیل‌های سیاسی

انتقادی یا تأییدی خود را ارائه می‌دهند. نوع دیدگاه‌ها، ماهیت انتقادی محتوا و تفاسیر سیاسی رسانه‌های جمعی، چه به صورت مستقل و چه از راه وابستگی به کنشگران ارتباطی و سیاسی دیگر می‌توانند در شکل دهی یا بسیج افکار عمومی به شدت اثرگذار باشند. مهم‌ترین اهداف کنشگران غیر حکومتی، در استفاده از رسانه‌های جمعی - اعم از سنتی یا نوین، همچون تلویزیون‌های ماهواره‌ای - به دست آوردن قدرت، پیشبرد خواسته‌ها و تأثیرگذاری بر تصمیمات حکومتی با پشتوانه افکار عمومی داخلی، منطقه‌ای و جهانی است (Mcnaair, 1999, pp.4-5).



د) نظریه اثر سی.ان.ان و اثر الجزیره

«نظریه سی.ان.ان» از سوی پژوهشگران جدید ارتباطات و به پیروی از نقش‌آفرینی شبکه ماهواره‌ای سی.ان.ان در جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و سال ۲۰۰۳ مطرح شد. به تأثیر از نقش تعیین‌کننده شبکه الجزیره در خبررسانی پیرامون جنگ خلیج فارس در سال ۲۰۰۳ و گرایش گسترده افکار عمومی جهان عرب نسبت به این شبکه نیز، نظریه «اثر الجزیره» نیز از سوی صاحب‌نظران ارتباطات ارائه شد. این دو اصطلاح و نظریه مشابه، در ارتباط با تأثیر تعیین‌کننده این دو شبکه در هدایت و بسیج افکار عمومی و چالشگری ضد حکومت‌های اقتدارگرا در منطقه، به‌ویژه در رویدادهای مهمی، همچون جنگ خلیج فارس و پس از آن در انقلاب‌های اخیر منطقه طرح شدند (Abdelmoula, 2012, p.212).

کاربست و چرایی استفاده از نظریه‌ها

در این پژوهش، از چهار نظریه مهم و برجسته، درباره چرایی و دلایل موفقیت شبکه ماهواره‌ای الجزیره در دیپلماسی عمومی با هدف جذب هرچه بیشتر افکار عمومی، در جهان عرب استفاده شد که

به صورت فشرده، توضیح داده شدند. «نظریه وابستگی» یکی از مهم‌ترین نظریه‌هایی است که می‌تواند موفقیت قابل توجه شبکه الجزیره در جذب بیشترین مخاطب و افکار عمومی در جهان عرب را تبیین کند. این نظریه با چند مؤلفه مهم همچون تأثیرات سه‌گانه شناختی، نمادین-نگرشی و رفتاری و میزان وابستگی مخاطب به رسانه و محتوای آن می‌تواند وابستگی زیاد افکار عمومی در جهان عرب به این شبکه را تبیین کند. از مؤلفه‌های یادشده این نظریه در این مقاله به‌ویژه، در بررسی شواهد عینی مرتبط با قدرت بسیج‌گری افکار عمومی و اطلاع‌رسانی به‌موقع و پیرو آن، در وقوع رویدادهای انقلابی اخیر در شمال آفریقا و خاورمیانه استفاده شده است. نظریه برجسته‌سازی در ارتباط با چرایی گرایش گسترده افکار عمومی در جهان عرب به این شبکه، به دلیل برجسته‌سازی موضوعات حساس منطقه‌ای و رویدادهای مهم همچون جنگ خلیج فارس، مسائل مربوط به فلسطین، مداخلات منفی قدرت‌های خارجی در منطقه و رویدادهای انقلابی اخیر در منطقه از کاربردی بیشتری برخوردار است.

مدل ارتباطات سیاسی در ارتباط با گرایش شدید افکار عمومی نسبت به شبکه الجزیره به‌واسطه گفتمان انتقادی، تفاسیر سیاسی به‌روز و مستقل و استفاده جنبش‌های اجتماعی و فعالان سیاسی و اجتماعی از این شبکه برای اعمال فشار بر حکومت‌ها و قدرت‌های خارجی به پشتوانه افکار عمومی از کاربردی بالایی برخوردار است. مصداق بارز اثرگذاری این شبکه و گفتمان انتقادی آن، همانا تأثیر شتابزای آن بر وقوع جنبش‌های اجتماعی و تحولات اخیر منطقه است. نظریه اثر سی. ان. ان نیز به‌طور خاص در ارتباط با تأثیرات تعیین‌کننده بسیج‌گری و انقلابی‌تلویزیون‌های ماهواره‌ای از دهه ۱۹۹۰ به این سو ارائه شده است، در این راستا، این نظریه در ارتباط با نقش بسیج‌گرایانه شبکه الجزیره در تحولات انقلابی خاورمیانه و شمال آفریقا و گرایش گسترده افکار عمومی به این شبکه، از توانمندی تبیین بالا برخوردار است و به خاطر نقش‌آفرینی شگرف بسیجی این شبکه بود که نظریه «اثر الجزیره» طرح شد.

۲. عوامل موفقیت شبکه ماهواره‌ای در دیپلماسی عمومی در جهان عرب

۱-۲ تابوشکنی سیاسی، استقلال رسانه‌ای و اتخاذ رویکرد رادیکال و انتقادی به مسائل منطقه

یکی از علل تأثیرگذار بر نفوذ فزاینده الجزیره در افکار عمومی جهان عرب، تابوشکنی سیاسی بود. در ساختار رسانه‌ای وابسته در جهان عرب، این شبکه به‌عنوان شبکه منحصربه‌فرد در عبور از خط قرمزهای سیاسی یا تابوها به‌عنوان نقطه عطف عمل کرده است. الجزیره در سال ۱۹۹۶ به‌عنوان اقدام دموکراتیک و هم‌به‌مثابه ابزاری برای ارتقای حکومت قطر به سطح قدرت منطقه‌ای با حمایت مالی و سیاسی امیر حمد بن خلیفه آل ثانی تأسیس شد. شیخ حمد، امیر جدید قطر به نسل جدیدی از رهبران عرب متعلق است که دارای ایده‌های جدید دموکراتیک است، به پشتوانه همین ایده‌ها بود که علاوه بر تأسیس الجزیره، به

اصلاحاتی دست زد که مهم ترین آنها عبارت‌اند از: اعطای حق رأی به زنان در انتخابات شوراهای شهرداری‌ها به‌عنوان اولین گام در بین کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، لغو قانون سانسور و برگزاری انتخابات پارلمانی (Bahry, 2001, p.89).

شبکه الجزیره گرچه استقلال عمل قابل توجه دارد اما این استقلال عمل از دولت قطر در شکل کامل آن نیست. الجزیره در مواردی راهبردها و خطوط قرمز دولت و امیر قطر را رعایت می‌کند، با این وجود از حیث استقلال رسانه‌ای و عبور قابل توجه از ساختار یا نظارت‌های سامانه‌ای، نقطه عطفی در ساخت رسانه‌ای جهان عرب محسوب می‌شود. محمد اویفی دو عامل مهم در ارتباط با موقعیت الجزیره طرح می‌کند: الف) تمایل این کانال به پرداختن به مسائلی که غالباً تابو و خط قرمز حکومت‌ها بوده‌اند. ب) تمایل ویژه آن به هم‌سو کردن خود با افکار عمومی در منطقه (El.oifi, 2005, p.74). این شبکه در آغاز به کار استقلال کامل نداشت و در پوشش خبری تحلیلی، راهبردهای سیاست خارجی امیر جدید قطر را دنبال می‌کرد؛ اما پس از حادثه یازده سپتامبر، استقلال این شبکه با کسب وجهه و مشروعیت بیشتر در نزد افکار عمومی، بیشتر شد، تابوشکنی سیاسی آن افزایش یافت و مواضع آن نسبت به مسائل منطقه، حکومت‌ها و قدرت‌های خارجی و فرامنطقه‌ای غربی انتقادی‌تر شد (Samuel, 2012, p.49).

شبکه الجزیره از آغاز به کار در سال ۱۹۹۶ به‌ویژه پس از جنگ دوم خلیج فارس و رویداد یازده سپتامبر، مواضع رادیکال و انتقادی نسبت به رژیم صهیونیستی اسرائیل، سلطه و مداخله آمریکا در جهان عرب و اسلام، نقد جدی حمایت آمریکا از اسرائیل، محافظه کاری و اقتدارگرایی حکومت‌ها در منطقه و نقض حقوق بشر توسط آنها اتخاذ کرده است؛ اتخاذ چنین مواضعی منجر به نفوذ فزاینده این شبکه در بین افکار عمومی و مخاطبان عرب ساکن در منطقه و خارج از منطقه شده است. لنینج بر این نظر است که به تأثیر از فضای رسانه‌ای سایبری و ماهواره‌ای به‌ویژه الجزیره در جهان عرب، ماهیت گفتمان عمومی به تدریج از قالب تبلیغات رسمی به سمت گفتمان مدنی و انتقادی تغییر یافته است و تابوهای سیاسی در حال شکسته شدن هستند، در این بین، به‌طور خاص بر شبکه الجزیره و تابوشکنی آن اشاره می‌کند. وی بر این نظر است که هنوز رسانه‌های کلاسیک عرب عمدتاً فاقد تضمین‌ها و حمایت‌های دموکراتیک هستند لذا عرصه فعالیت در ماهواره و اینترنت فعال‌تر از عرصه غیر سایبری و کلاسیک است، هنوز قوانین سفت و سخت و کنترل‌های زیادی بر رسانه‌ها اعمال می‌شوند (Hafez, 2009, p.325).

استقلال قابل توجه الجزیره از ساختارهای سیاسی و حکومتی، انتشار نسبتاً مستقل اخبار و تحلیل‌های سیاسی بدون سانسور یا با کمترین سانسور و دعوت از صاحب‌نظران و تحلیل‌گران منتقد از نشانگان مهم

رویکرد عبور نظامی این شبکه هستند که باعث رنجش رژیم‌های منطقه و نیز ایالات متحده آمریکا و برخی از هم‌پیمانان آن شده است (Abdelmoula, 2012, p.147). با نقش آفرینی الجزیره و فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی، حکومت‌ها در جهان عرب، دیگر نمی‌توانند مانند گذشته اطلاعات را کنترل و در انحصار کامل خود داشته باشند. پیش از ورود الجزیره، کانال‌های رسانه‌ای و نشریات بر سر دسترسی به مقامات، سیاستمداران و کارگزاران اطلاعاتی با یکدیگر رقابت شدید داشتند اما اکنون، فضا تقریباً عکس شده است، منظور آنکه سیاستمداران برای حفظ مشروعیت و قدرت خود سعی می‌کنند از رسانه‌هایی مانند الجزیره استفاده کنند (Abdelmoula, 2012, p.223).

شبکه الجزیره، نخستین کانال‌های ماهواره‌ای است که بحث‌های انتقادی را با جسارت و آزادی عمل و کمترین سانسور پخش می‌کند و داغ‌ترین مباحث روز و عملکرد رهبران منطقه را در قالب میزگردهای تحلیلی و اخبار به نقد و بررسی عمومی و تخصصی می‌گذارد. اسکندر و النواوی، از الجزیره به‌مثابه خار یا تیغی برای رژیم‌های اقتدارگرای عرب تلقی می‌کنند. عیب‌ها بر این باور است که الجزیره با قابلیت مشارکت‌دهی و انتقادی بالا، مفهوم حوزه عمومی هابرماس را به‌صورت بی‌سابقه در تلویزیون جهان عرب پیش برده است (Bashir, 2007, pp.22-23). بزرگترین رقیب الجزیره، شبکه العربیه است که در کنترل برخی از مقاطعه‌کاران ثروتمند سعودی است و دارای رابطه دوستانه یا خاندان سعودی است. این شبکه برخلاف الجزیره، فاقد استقلال رسانه‌ای است و از خط قرمزهای حکومت سعودی و هم‌پیمانان منطقه‌ای اش عبور نکرده و در چهارچوب الزامات ساختی - نظامی عمل می‌کند (Samuel, 2012, p.47).

۲-۲ ایجاد انگیزش در مخاطبان با نوآوری در محتوا و فن‌های خبری

اصولاً همه رسانه‌ها به دنبال جذب بیشترین مخاطب هستند، این امر صورت نمی‌گیرد مگر اینکه آن رسانه از زاویه‌های گوناگون به‌ویژه از حیث نوع محتوا، نحوه پیام‌رسانی، ارتباط با مخاطبان و فن‌های خبری - اطلاع‌رسانی به حد کافی ایجاد انگیزش کند. الجزیره مهم‌ترین شبکه ماهواره‌ای پان عرب است که از یک سو با برد منطقه‌ای و جهانی و از سوی دیگر، با تنوع بخشیدن به محتوای خبری - تصویری و جامعیت برنامه‌ها در کنار استقلال قابل توجه رسانه‌ای، برای مخاطبان حق انتخاب قائل است. این امر منجر به محبوبیت و علاقه‌مندی فزاینده افکار عمومی عرب و موفقیت آن در دیپلماسی عمومی در رقابت با رقبای غربی و منطقه‌ای شده است.

در این ارتباط اشاره به نتایج نظرسنجی «مرکز جهانی دانش برای نظرسنجی» مستقر در اردن جالب توجه است. این مرکز در یک نظرسنجی با حجم نمونه ۱۲۲۵ نفری از اساتید در حوزه رسانه‌های جمعی و علوم سیاسی، به این نتیجه رسید که ۹۸/۴٪ از پاسخگویان، شبکه الجزیره را کانال مطلوب خود انتخاب کرده و

به طور متوسط بیش از ۳ ساعت در روز، برنامه های آن را دنبال می کنند و میزان تماشای این شبکه برای این پاسخگویان، سه برابر بیشتر از کانال های دیگر بوده است. شرکت نیلسن* در مطالعه خود در سال ۲۰۰۹ بر روی ۲۷ هزار نفر از پاسخگویان عرب در ۱۴ کشور به این نتیجه رسید که تقریباً ۵۰٪ از جمعیت جهان عرب، اخبار و برنامه های این شبکه را دنبال می کنند (Abdelemoula, 2012, p.182).

در حقیقت، شبکه الجزیره با بهره برداری مثبت و فراگیر از هویت در سه شکل مدنی، قومی و دینی همراه با گفتمان انتقادی در پوشش تصویری - خبری، هم باعث دگرذیسی و تحول در حوزه عمومی شده است و هم منجر به بسیج افکار عمومی شهروندان و توده های عرب شده است. به همین خاطر به مهم ترین، جذاب ترین و اثرگذارترین رسانه در جهان عرب تبدیل شده و بر گفتمان عمومی و افکار عمومی در منطقه مسلط شده است (Nisbet & Myers, 2010, p.351). گر و النواوی بر این باورند که الجزیره باعث ژرف تر شدن تعاملات در بین عرب ها و نزدیکی دو شکل مهم هویت قومی - زبانی (پان عرب) و دینی (پان اسلامیسیم) در بستر تهاجمی تر شدن سیاست خارجی آمریکا شده است (Bashir, 2007, p.25).

علی عباس جمال در پایان نامه دکتری خود با عنوان «نفوذ و تأثیر سیاسی الجزیره بر کویتی ها» با روش پیمایشی تلفنی با ۱۵۸۷ نفر، به مطالعه عوامل مؤثر بر گرایش بیش از ۸۲٪ از مخاطبان به اخبار و برنامه های این شبکه پرداخته است. در این مطالعه، نتایج نشان می دهند که مردان و افراد با تحصیلات و درآمد بالا تماشای شبکه الجزیره را به تلویزیون دولتی کویت ترجیح می دهند؛ در مقابل، در بین افراد با نگرش های سنتی، زنان، بی سوادان یا کمتر تحصیل کرده ها و کم درآمد ها، تلویزیون دولتی بیشتر از شبکه الجزیره طرفدار داشته است.

مهم ترین متغیرهای تأثیرگذار بر طرفداری اکثریت شهروندان کویتی (عمدتاً تحصیل کرده تر و با درآمد بالا و نگرش های مدنی) به شبکه الجزیره عبارت بودند از: هیجان آفرینی بالای شبکه الجزیره با پوشش خبری و تصویری مستقل و نوآورانه، انتقادی بودن، میزگردهای تحلیلی، قابلیت های این شبکه برای حوزه عمومی مجازی به منظور بحث و تبادل نظر در مسائل مدنی، احساس اثربخشی سیاسی و توانمندی در مخاطبان این شبکه برای تأثیرگذاری بر تحولات و تصمیمات حکومت، علاقه مندی مخاطبان به سیاست و کسب اطلاعات به روز و واقع گرایانه از طریق شبکه الجزیره (Jamal, 2004).

* - Nielsen Company

۲-۳ نقش الجزیره در ایجاد حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب

در جهان عرب به دلیل استمرار موانع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، هنوز زود است که امید به اجمال حوزه عمومی در جهان عرب در محیط واقعی و غیرمجازی داشته باشیم. با این وجود، به تأثیر از اشاعه و کاربست فزاینده اینترنت و شبکه‌های اجتماعی سایبری و مهم‌تر از همه، تأسیس شبکه ماهواره‌ای الجزیره، نوعی حوزه عمومی نوظهور- البته در فضای ماهواره‌ای و سایبری- در حال شکل گرفتن است. این حوزه نوظهور در آینده نه‌چندان دور به تبع تحول نسلی و نگرشی و گسترش افکار عمومی پویا و منتقد به سمت پختگی و پیچیده شدن حرکت خواهد کرد. در حال حاضر، حوزه عمومی نوظهور با نقش آفرینی کشتگران مدنی و سیاسی در شبکه سایبری و ماهواره‌ای به‌ویژه شبکه الجزیره، فضا و محتوای رسانه‌ای در تعدادی از کشورهای منطقه را انتقادی و اصلاح‌طلبانه کرده است. طبعاً با آمیزش این دو نوع فضای رسانه‌ای، حوزه عمومی در فضای غیر سایبری و فیزیکی در جهان عرب گسترش خواهد یافت.

از دید لینگ دو ویژگی مهم حوزه نوظهور در جهان عرب عبارت‌اند از: ۱. این حوزه عمومی از هر نوع ساختار سیاسی یا نهادهای سیاسی رسمی، مستقل و جدا است و محدود به مرزهای حاکمیتی نمی‌شود. ۲. در حوزه عمومی نوظهور در جهان عرب مسائل مربوط به هویت دینی، هویت پان عرب ملی و هویت مدنی بر مبنای اصلاحات سیاسی و دموکراسی، برجسته و مهم هستند (Nisbet & Myers, 2010, p.351). نیسبت و میرز در یک مطالعه کمی- پیمایشی در مورد ۶ کشور خاورمیانه در فاصله سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ با استفاده از داده‌های پیمایشی بین‌المللی، ارتباط بین استفاده از شبکه ماهواره‌ای الجزیره و هویت دینی و ملی را بررسی کرده‌اند. نتیجه کلی مطالعه آن دو نشان می‌دهد که، استفاده از تلویزیون‌های ماهواره‌ای عرب به‌ویژه الجزیره، هویت‌یابی فراگیر اسلامی و قومی عربی در مقابل هویت ملی در حوزه عمومی نوظهور، در جهان عرب را افزایش داده است. کشورهای مورد مطالعه عبارت‌اند از: مصر، عربستان، اردن، لبنان و مراکش. در این مطالعه، ارتباط بین استفاده از تلویزیون ماهواره‌ای و تأثیر آن بر تقویت هویت اسلامی و عربی منطقه‌ای در مقابل هویت ملی در سطح معناداری و بالا تأیید شد. جالب‌تر آنکه، با افزایش سطح تحصیلات، تقویت هویت فراملی پان اسلامی و پان عربی در مقابل هویت ملی، بیشتر تأیید می‌شود (Nisbet & Myers, 2010).

۲-۴ بیان مصادیق یا شاخص‌های عینی نقش الجزیره در دیپلماسی عمومی

شبکه الجزیره در درجه نخست باهدف پیشبرد دیپلماسی عمومی در منطقه خاورمیانه و سپس در سطح جهانی تأسیس شد و آن را می‌توان نوعی نوزایی در جهان عرب معرفی کرد (Eliades, p.15). این شبکه از همان ابتدا درصدد بود که در راهبرد دیپلماسی عمومی به سطح منطقه‌ای محدود نشود و در سطح

جهانی نیز به خبررسانی روی آورد. تأسیس شبکه الجزیره انگلیسی‌زبان در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۶ با این هدف انجام شد تا با «سی ان ان» و «بی بی سی»، در سطح جهانی به رقابت بپردازد. از این زمان بود که، اصطلاح «اثر الجزیره» به تأثیر از اصطلاح «اثر سی ان ان» در حوزه رسانه‌ای معمول گردید. غالباً شبکه الجزیره به‌عنوان چالشگر، بدیل، رقیب و ضد جریان خبری شبکه‌های ماهواره‌ای بین‌المللی شناخته شده است (Figenschou, 2010, pp.86-88).

بحری، یکی از تحلیل‌گران عرب، بر این نظر است که پس از رویداد یازده سپتامبر، شبکه الجزیره به مثابه فندک و سرعت بخش به تحولات سیاسی، اعتراضات و بسیج افکار عمومی در منطقه، عمل کرده است. گفتمان انتقادی، چالشگرانه و عرب بنیاد در جذابیت این شبکه برای افکار عمومی مؤثر بوده است. بسیاری از عرب‌ها از داشتن یک شبکه ماهواره‌ای پان عرب و پان اسلامی مستقل، مدافع حقوق مردم عرب، نقاد رژیم‌های اقتدارگرا و قدرت‌های مداخله‌گر فرا منطقه‌ای تا حد زیادی احساس غرور می‌کنند. به همین جهت، این شبکه با سرعت خیره‌کننده‌ای توانسته است در دیپلماسی عمومی، اعتماد و حمایت بخش گسترده‌ای از افکار عمومی را به دست آورد و اعراب را شیفته خود کند. این شبکه در نزد مخاطبان عرب به‌عنوان برجسته‌ترین رسانه مستقل و متعهد به مردم عرب شناخته می‌شود (Bahry, 2001, pp.91-90). النواوی و اسکندری بر این نظرند که الجزیره توانسته است اذهان و افکار اعراب را تسخیر کند. از دید آن دو، منازعه الجزیره با حکومت‌های عرب، یک رفتار قهرمانانه یا به‌سادگی یک موی دماغ‌آزاردنده برای حکومت‌های عرب است (Maalouf, 2008, pp.24-25).

مروه عبدالسامی در رساله دکتری خود با عنوان «دیپلماسی عمومی در عصر رسانه‌های منطقه‌ای: شبکه الجزیره و تلویزیون آزادی» با یک روش تحلیل گفتمان انتقادی و تطبیقی، به بررسی نقش شبکه الجزیره و تلویزیون آزادی وابسته به ایالات متحده آمریکا در دیپلماسی عمومی منطقه‌ای پرداخته است. عبدالسامی در چهارچوب «نظریه بستر یا چهارچوب اجتماعی» به این نتیجه می‌رسد که شبکه الجزیره به دلیل عملکرد رسانه‌ای زمینه بنیاد بر مبنای شناخت صحیح از بستر ارزشی-اجتماعی و فرهنگی جهان عرب و انتشار پیام خود بر طبق این بستر، در راهبرد دیپلماسی عمومی و نفوذ در افکار عمومی در جهان عرب نسبت به رادیو و تلویزیون آزادی از موفقیت بیشتری برخوردار بوده است. از دید وی، مهم‌ترین موضوعات مطرح در محتوا و پوشش خبری-تصویری و میزگردی این شبکه عبارت‌اند از: امور داخلی اعراب (بالاترین اولویت)، فلسطین، مداخلات ایالات متحده در منطقه، تعامل بین اعراب، هویت جمعی اعراب و در آخرین اولویت، امور جهانی (Abdelsamei, 2010, p.95). شبکه خبری الجزیره در پوشش خبری و تصویری

خود از غزه و بر تاریخ، مذهب و فرهنگ عربی و اسلامی به عنوان مؤلفه‌های تعریف کننده هویت منطقه تأکید کرده و آن را در اولویت دیپلماسی عمومی خود قرار می‌دهد و با رویکرد انتقادی، مواضع آمریکا در حمایت از اسرائیل را به جد نقد می‌کند.

عبدالسامی بر این باور است که الجزیره در برنامه‌های خود، مذهب را طوری ترسیم می‌کند که از بحران سیاسی با مداخلات خارجی رنج می‌برد نه از بحران هویت. این شبکه، هویت و انسجام عربی و اسلامی را به عنوان عامل مهم در تحولات اخیر جهان عرب معرفی می‌کند و ایالات متحده آمریکا و اسرائیل را به عنوان «غیر یا دیگری» ترسیم می‌کند (Abdelsamei, 2010, pp.223-224). اما در جهت عکس، شبکه آزادی به دلایلی نتوانسته است در دیپلماسی عمومی موفق باشد، از جمله: الف) به دلایلی وابستگی مالی، سیاسی و تشکیلاتی به دولت ایالات متحده عمدتاً به تاریخ و هویت عربی نوعی سوگیری منفی داشته است. ب) در پوشش خبری خود، مخاطب را به حال و آینده فرامی‌خواند و نسبت به تاریخ خاورمیانه و تألمات مردم ناشی از استعمار غرب و اسرائیل و هویت دینی بی‌توجه بوده است. در حالی که در شبکه الجزیره، تاریخ و هویت نقش برجسته‌ای یافته و بر «خود مقاومتی» در اعراب و موضوع فلسطین تمرکز شده است. در این شبکه، مقاومت به عنوان منبع مهم استمرار هویت عرب تلقی شده است. محتوای زبان و پیام این شبکه در ارتباط با مسائل منطقه‌ای از نوع انتقادی بوده است و حقوق پایمال شده اعراب را در قالب فرایند تاریخی نگریسته و بین گذشته و حال و آینده پیوند برقرار می‌کند. ج) به لحاظ سیاسی موضع‌گیری مثبت شبکه آزادی به نفع رژیم صهیونیستی، سوگیری منفی به فلسطینی‌ها و بیان مطالب کلیشه‌ای با عنوان تروریسم اسلامی، منجر به عدم موفقیت این شبکه در دیپلماسی عمومی شده است (Abdelsamei, 2010, pp.227-228).

ماها بشیر در پایان‌نامه دکتری خود با عنوان «تأثیر تعیین کننده الجزیره بر حوزه عمومی عربی اسلامی» با روش تحلیل محتوا به بررسی نقش این شبکه در افکار عمومی جهان عرب و مشارکت مخاطبان عرب در دو میزگرد سیاسی-اجتماعی بسیار پرمخاطب به نام‌های «اکثر من رأی» به معنی بیش از یک رأی و «ایتیا المعاهد» به معنی جهت یا سمت و سوی مخالف، پرداخته است. وی با روش تحلیل ثانویه داده‌ها از نتایج نظرسنجی اینترنتی شبکه الجزیره در سال ۲۰۰۵ در هشت کشور مراکش، اردن، لبنان، پاکستان، ترکیه، عمان، مصر و فلسطین استفاده کرده است. از بین موضوعات برجسته‌سازی شده در دو میزگرد سیاسی، موضوع امور داخلی و چالش‌های جهان عرب و اسلام با بالاترین فراوانی نقش برجسته‌ای در دیپلماسی و افکار عمومی اعراب داشته‌اند. پس از آن موضوع جنگ عراق (۲۰۰۳)، توسعه اقتصادی و اجتماعی،

کشمکش اعراب و اسرائیل، روابط اعراب و آمریکا و مداخلات آمریکا در منطقه با بهانه جنگ علیه تروریسم از بالاترین اهمیت و برجستگی در نزد افکار عمومی برخوردار بوده‌اند (Bashir, 2007, p.22). اما در ارتباط با زیرمجموعه موضوع اصلی یعنی مداخلات آمریکا در منطقه، بیشترین فراوانی و برجستگی آنها در دو برنامه یادشده به ترتیب عبارت بودند از تلقی از آمریکا به‌عنوان ۱. دشمن اسلام ۲. طرفدار اسرائیل ۳- متجاوز ۴- هژمون یا سلطه‌گر ۵- عامل مشکلات منطقه (Bashir, 2007, p.78).

نیست اریک در یک مطالعه کمی با استفاده از داده‌های پیمایشی موسسه گالوپ در بهار سال ۲۰۰۲، به این نتیجه‌گیری کلی می‌رسد که در کشورهای با اکثریت مسلمان، احساسات منفی و ضدآمریکایی شدیدی وجود دارد، این احساس فراگیر منجر به نگرانی شدیدی در تصمیم‌گیران آمریکایی شده است و آمریکا را به سمت راهبرد دیپلماسی عمومی باهدف ترمیم مشروعیت بین‌المللی آمریکا با استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی سایبری و ماهواره‌ای مصمم ساخته است (Erick et al., 2004, p.13).

مهم‌ترین مؤسسه‌ای که به نظرسنجی و افکار سنجی در جهان عرب پرداخته‌اند عبارت‌اند از: موسسه گالوپ، موسسه بین‌المللی زوگبای* و مرکز تحقیقات پیو.† موسسه پیو در نظرسنجی خود اعلام کرده است که بیش از ۶۰٪ مسلمانان منطقه نسبت به آمریکایی‌ها، نظر و احساس منفی دارند. این احساسات عمدتاً به خاطر سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا بوده است تا تفاوت‌های فرهنگی و دینی. میزان احساسات منفی در بین مصری‌ها ۶۹٪، اردنی‌ها ۷۵٪، لبنانی‌ها ۵۹٪ و ترک‌ها ۵۵٪ بوده است.

نظرسنجی موسسه گالوپ در ۹ کشور با اکثریت مسلمان (پاکستان، عربستان، ایران، اندونزی، کویت، اردن، لبنان، مراکش و ترکیه) نشان می‌دهد که بین ۳۲ تا ۷۰٪ از پاسخ‌دهندگان، نظر منفی نسبت به آمریکا و سیاست‌های آن در منطقه داشته‌اند. بیش از ۸۵٪ آنان بر این باورند که آمریکا به ارزش‌ها و باورهای مسلمانان احترام نمی‌گذارد و در روابط بین‌الملل با مسلمانان عادلانه عمل نمی‌کند و از اسرائیل حمایت می‌کند (Erik et al., 2004, pp.14-15). افراد ساکن در حوزه پوشش خبری پان عرب (جهان عرب) به‌طور معنی‌داری نسبت به حوزه غیر عرب، سطوح بالاتری از احساسات ضدآمریکایی داشته‌اند. بارزترین متغیر تأثیرگذار بر احساسات ضدآمریکایی در حوزه جهان عرب، موضوع فلسطین بود.

* - Zogby International

† - Pew Research Center

لینچ بر این باور است که این احساسات ضد آمریکائی از پیش در منطقه بوده اما فقط شبکه الجزیره به بیان صریح آن پرداخته است؛ اما افرادی مانند فؤاد عجمی معتقد هستند که الجزیره در پوشش خبری و تصویری خود علیه آمریکا سوگیری و بزرگ‌نمایی می‌کند. شارون واکسمن، این شبکه را به شدت متعصب و بی‌انعطاف می‌داند و معتقد است آمیزه‌ای از افراط‌گری پان عربی و پان اسلامی و غرب‌ستیزی را رواج داده است (Bashir, 2007, pp.16-17).

فیگنشو در پژوهشی مبتنی بر تحلیل محتوا جایگاه الجزیره انگلیسی‌زبان در راهبرد دیپلماسی عمومی را مطالعه کرده و نشان داده است که شبکه الجزیره انگلیسی‌زبان در خبر سراسری و زنده خود در ساعت ۱۸، با یک رویکرد جنوب‌بنیاد در دیپلماسی عمومی، ۶۱٪ اخبار را به جنوب، ۳۸٪ را به شمال و ۱٪ را به اخبار بین‌المللی اختصاص می‌دهد. از ۱۳۲۴ موضوع خبری از اکتبر و دسامبر ۲۰۰۷ تا ژوئن ۲۰۰۸، بیش از ۶۰٪ موضوعات به آفریقا، آسیا، خاورمیانه و آمریکای لاتین اختصاص داده شده بود و ۳۸٪ این بخش خبری به آمریکای شمالی و اروپا مربوط بود. در بین کشورهای جنوب، خاورمیانه با ۱۹/۶٪ در صدر اولویت‌های خبری الجزیره انگلیسی‌زبان بوده است (Figenschou, 2010, p.92). آترو و همکارانش در یک کار پیمایشی و نظرسنجی از ۵۳۷۹ نفر از افراد ۱۸ تا ۶۵ ساله در جهان عرب دریافتند که اکثر افراد مورد مطالعه، بخش بیشتری از وقت خود را به تماشا و پیگیری برنامه‌های الجزیره صرف کرده‌اند. در این مطالعه بین تعامل و همکاری‌های اجتماعی مخاطبان و تصور و برداشت مثبت آنان از برنامه‌های شبکه الجزیره و اعتماد به آن، رابطه مثبت و معنادار بالایی دیده می‌شود (Auther et al., 2005, pp.197-199).

آنتونی مألوف، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، واکنش‌های حکومت‌های عرب منطقه نسبت به برخی موضوعات به تصویر کشیده شده در الجزیره را در قالب سه اثر رسانه‌ای با عناوین شتاب بخش، ایجاد مانع و برجسته‌سازی بررسی کرده است که فشرده آن در جدول ذیل طرح شده‌اند.

اما در بین موضوعات و موارد به تصویر کشیده شده، انتشار مصاحبه الجزیره با اسامه بن لادن پس از رویداد یازده سپتامبر به شدت منجر به واکنش انتقادی شدید غرب و آمریکا (حکومت بوش) برضد این شبکه و متهم کردن آن به دفاع از بنیادگرایی ستیزه جویانه و سوگیری منفی غیرمنصفانه علیه آمریکا شد (Pintak & Ginges, 2008, P.194). پنتاک و گینگز در یک مطالعه پیمایشی و کمی با ۶۰۱ خبرنگار عرب، راجع به دیپلماسی عمومی خاورمیانه‌ای آمریکا، دریافتند که بخش بزرگ راهبرد و محتوای دیپلماسی عمومی خاورمیانه‌ای آمریکا، فاقد اساس و حقیقت بوده و اعتماد ناپذیر است، در واقع، نوعی فرافکنی متعصبانه غرب و آمریکا بوده است تا بیان واقعیت. در این مطالعه، آن دو، درصد بررسی عوامل

تأثیر گذار بر مأموریت روزنامه نگاران در کشورهای لبنان، سوریه، کرانه غربی فلسطین، مراکش، مصر و امارات متحده عربی بودند (Pintak & Ginges, 2008). آن دو دریافتند که برخلاف اتهامات وارد شده به روزنامه نگاران منطقه از سوی آمریکا، این قشر از جامعه عرب مدافع اصلاحات سیاسی بوده اند.

جدول (۱): اثر الجزیره بر حکومت و سیاست ها در منطقه خاورمیانه (Maalouf, 2008)

موضوع تصویر کشیدن شدن	واکنش حکومت	اثر الجزیره
پخش مصاحبه الجزیره با اسامه بن لادن در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۸ و دعوت مسلمانان به کشتن آمریکایی ها و یهودیان	- محکومیت شبکه الجزیره از سوی حکومت سعودی - جلوگیری از ارسال آگهی تجاری به شبکه - بستن دفتر شبکه در عربستان	اثر شتاب بخشی
پخش مصاحبه الجزیره با ناراضیان و مخالفان حکومت الجزایر در سال ۱۹۹۹ و موضوع قتل عام مخالفان در جنگ داخلی ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸	جلوگیری از ادامه پخش برنامه یا قطع موقتی برق سراسری توسط حکومت الجزایر	اثر ایجاد مانع
انتشار صدای یک عراقی مبنی بر محکومیت امیر و حکومت کویت به خاطر حمایت از نیروهای مسلح آمریکا در جنگ خلیج فارس در ۴ ژوئن ۱۹۹۹	بستن دفتر الجزیره توسط حکومت کویت تا ۲۹ ژولای ۱۹۹۹	اثر ایجاد مانع
پخش تصاویر مربوط به گرسنگان عراق در مراسم ۶۳ سالگی تولد صدام در آوریل ۲۰۰۰	بسته کردن دولت صدام به نقد برنامه الجزیره و عدم بستن دفتر آن به دلیل وضعیت بحرانی عراق	اثر برجسته سازی (برجسته کردن موضوع گرسنگی مردم)
پخش تصاویر مربوط به آتش زدن پرچم مصر توسط فلسطینی های منتقد در زمان برگزاری اجلاس سران عرب در اکتبر ۲۰۰۰ در قاهره	تقیح شدید الجزیره توسط حکومت مبارک و وابسته کردن آن به یهودیان و تهدید به بستن دفتر آن شبکه	اثر برجسته سازی موضوع عدم تعهد مبارک به فلسطین
پخش تصاویر اعتراض مردم بحرین علیه اقدام نظامی اسرائیل در فلسطین و حمله به سفارت آمریکا در آوریل ۲۰۰۲	جلوگیری از ورود خبرنگاران شبکه الجزیره به بحرین در انتخابات شهرداری ها در طی ۲۰۰۲	اثر ایجاد مانع
پخش مصاحبه الجزیره با اسد ابوخلیل استاد علوم سیاسی آمریکایی - فلسطینی تبار در اعتراض به جانب داری اردن از آمریکا و اسرائیل در آگوست ۲۰۰۲	بستن دفتر شبکه، ضبط ویدئوهای الجزیره و دستور بازگشایی دفتر شبکه در مارس ۲۰۰۳ در طی یک زد و بند سیاسی بین دولت اردن و قطر	اثر ایجاد مانع
انتشار تصاویر اعتراض مردمی به گسترش حضور نظامی آمریکا در قطر و تقبیح معاهده نظامی این کشور با آمریکا در یک میزگرد سیاسی	عدم اعتراض دولت قطر و افزایش آزادی عمل به رسانه ها در موضع گیری انتقادی	اثر شتاب بخشی
دعوت دکتر منصف مرزوقی رهبر و فعال سیاسی تبعید شده به میزگرد گفتگویی و نقد شدید او بر حکومت پلیسی تونس و سرکوب رهبران مدنی و اپوزیسیون در ۱۴ اکتبر ۲۰۰۶	بستن و تعطیلی دفتر الجزیره و احضار سفیر تونس از قطر و بازداشت مرزوقی پس از بازگشت از تبعید به تونس	اثر شتاب زدا

روزنامه‌نگاران عرب در پاسخ به مهم‌ترین مأموریت خود در حوزه روزنامه‌نگاری و رسانه‌ای به ترتیب اهمیت این گزینه‌ها را طرح کردند: ۱. اصلاحات سیاسی ۲. آموزش عمومی مردم ۳. انتشار اخبار مربوط به مسائل اجتماعی و انعکاس دیدگاه‌ها و نظرات افراد و گروه‌های فقیر جامعه ۴. درگیرسازی مدنی مردم ۵. توسعه جهان عرب ۶. تحلیل موضوع فلسطین ۷. تغییر و تحول جامعه و ۸. تلقی از خود به‌عنوان کارگزاران تغییر. پاسخ‌ها از ۷۵٪ در مورد بالاترین اولویت یعنی اصلاحات سیاسی تا ۴۳٪ در مورد تلقی از خود به‌عنوان کارگزار تغییر متفاوت بود.

در پاسخ به سؤال مهم‌ترین مسئله جهان عرب از نگاه روزنامه‌نگاران، گزینه‌ها یا پاسخ‌ها به ترتیب اهمیت، عبارت بودند از: اصلاحات سیاسی، حقوق بشر، فقر، آموزش عمومی، فلسطین، عراق، اقتصاد، تروریسم، بهداشت، جهانی‌شدن، محیط‌زیست و سایر موضوعات. در ارتباط با سؤال بزرگ‌ترین تهدید برای جهان عرب، پاسخ‌ها به ترتیب اهمیت عبارت بودند از: سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا، نبود تغییرات سیاسی، نقض حقوق بشر، مشکلات اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی، تروریسم و جهانی‌شدن. اما در رابطه با نگرش به دولت ایالات متحده، نگرش منفی و نامطلوب در اولویت بالا با ۸۹٪ و نگرش مثبت در حد کم ۱۱٪ بود؛ در جهت عکس، نوع نگرش به مردم آمریکا و نه دولت آن کشور، ۶۲٪ مطلوب و ۳۸٪ در حد نامطلوب بود. نتیجه کلی این تحقیق، آن است که رسالت مهم روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها، در رتبه اول، حمایت از پیشبرد اصلاحات سیاسی است و این رسالت را مهم‌تر از پرداختن به تهدید آمریکا و اسرائیل می‌دانند. در این راستا بالاترین اولویت، حمایت از اصلاحات تدریجی (۶۴٪) در مقابل تغییرات رادیکال (۳۲٪) و عدم تغییرات (۲٪) گزارش شد (Pintak & Gingerd, 2008).

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج آماری مطالعات کمی و کیفی انجام‌شده، دلایل موفقیت شبکه الجزیره در راهبرد دیپلماسی و هدایت و بسیج افکار عمومی بررسی شد. مهم‌ترین دلایل عبارت بودند از: تابوشکنی سیاسی، پرداختن به موضوع‌های داغ سیاسی و بحران‌های منطقه، نقد استیلای امریکا بر منطقه، نقد تجاوزهای اسرائیل، استفاده از شیوه‌های خبری جذاب و محتوای تحلیلی-انتقادی و توجه به هویت عربی و مذهبی در پوشش خبری و تحلیلی. در مجموع، نقش شبکه الجزیره در ارتباط با هدایت و بسیج افکار عمومی و راهبرد دیپلماسی عمومی، موفقیت‌آمیز بوده است. الجزیره با کسب محبوبیت در افکار عمومی و تحول فکری و نگرشی در نزد اعراب، توانست آنها را برای بسیج سیاسی آماده کند و نقطه اوج آن، نقش بسیج‌کننده این شبکه در انقلاب‌های اخیر بود. در واقع، شبکه الجزیره، انقلاب‌های غربی را جرقه نزد؛ اما بر شعله‌ورشدن این انقلاب‌ها، مؤثر واقع شد. شبکه الجزیره با انعکاس و انتشار سریع اخبار و رویدادها

به صورت تصویری و فراگیر در سطح منطقه‌ای و جهانی، افکار عمومی و منطقه‌ای را برضد رژیم‌های اقتدارگرا بسیج کرد و به بانفوذترین شبکه در جهان عرب، تبدیل شد.

References

- Abdelsamei, M. (2010). *Public diplomacy in the age of regional media, aljazeera and al-hurra*. Unpublished Ph. D, Northern Eastern University.
- Abdlmoula, E. (2012). *Al-jazeera's democratizing role and the rise of arab public sphere*. Unpublished Ph. D, University of Exeter.
- Asadi, A. (1991). *Public opinion and communication*. Tehran: Sosoush Publication. (in Persian)
- Bahry, L. (2001). The New Arab Media Phenomenon. *Qatar's Al jazeera, Middle East Policy*, 3(2).
- Baran, S., & Davis, D. (2000). *Mass communication theory*. U. k: Wadsworth publishing company.
- Bashir, M. (2007). *A seminal Study of Aljazeera's Agenda- Setting Effect in the Arab-Islamic Public Sphere*. Unpublished Ph. D., University of South Carolina, Carolina.
- Baum, M. A. (2003). Soft News & Political Knowledge. *Political Communication*, 20(1).
- Cull, N. (2008). Public diplomacy: taxonomies and histories. *The Annals of the American Academy*, 616.
- Defleur, M., & Rokeach, B. (1982). *Theories of mass communication*. London: Longman.
- El.Oifi, M. (2005). Influence Without Power: Aljazeera and the Arab Public Sphere. in Mohammed Zayani (ed). *The Aljazeera Phenomenon*. Uk: Pluto Press.
- Eliades, N. (25 March 2012). *The Rise of Aljazeera*. Retrieved from: <http://www.monitor.upeace.org/images/Jazeera.pdf>.
- Figenschou, T. (2010). A quantitative Content Analysis of Aljazeera English's Flag ship News. *Global Media and Communication*, 6(1).
- Gilboa, E. (2008). Searching for a theory of public diplomacy. *The Annals of the American Academy*, 616.
- Hafez, K. (13 May 2009). The role of media in the Arab world's transformation process. Retrieved from: <https://blogs.commonsgorgetown.edu/inaf-257-fall2011/files/INAF-257-Media-in-the-Middle-East-Syllabus-Fall-2013.pdf>
- Jamal, A. (2004). *The political influences of Aljazeera network on Kuwaitis*. Unpublished Ph. D., University of Southern Mississippi, Mississippi.
- Lazar, R. (2001). *Public opinion, translated by Morteza katbi*. Tehran: Ney Publication. (in Persian)
- Lo, M. (15 May 2012). Challenging Authority in Cyberspace. The case of Aljazeera Arabic Writers, Retrieved from:

- <http://media.leidenuniv.nl/legacy/myabe-lo.pdf> www.media.leiden.univ.nl
- Malouf, A. (2008). *Influence of Aljazeera in the Arab World and the Responses of Arab Governments*. Unpublished M.A., Villanova University.
- Nisbet, E. et al. (2004). Public diplomacy, television news and Muslim opinion. *Press and Politics*, 9(2), 11-37.
- Nisbet, E., & Myers, T. A. (2010). Challenging the state, transnational T. V & political identity in the Middle East. *Political Communication*, 27, 347-366.
- Nye, Josef. S. (2008). *Power in information age*. Translated by Saeed Mirtorabi. Tehran: The center for strategic studies. (in Persian)
- Pintak, L., & Ginges, J. (2008). The mission of Arab journalism. *Press and Politics*, 13(3), 193-227.
- Samuel, M. C. T. (2012). *Egyptian revolution, Aljazeera, twitter and face book*. Unpublished M. A., Maryland University, Maryland.
- Shelton, G. (2005). Public diplomacy, global, communication and world order. *Current Sociology*, 58(5), 749-772.
- Yazdani, A., & Sheikhoon, A. (2012). Soft power in foreign policy of USA with emphasis on culture. *Soft Power Studies Quarterly*, 2(5). (In Persian).
- Yves Dormagen, J., & Mouchard, D. (2010). *Foundation of political sociology*. (Translated by A. Nikgozar). Tehran: Agah publication. (in Persian)
- Zhang, J. (2013). A strategic issue management approach to social media use in public diplomacy. *American Behavioral Scientist*, 57(9).1312-1331.
- Zingarelli, M. (2010). *The CNN and Aljazeera effects in global politics and society*. Unpublished M. A., Georgetown University, Georgetown.